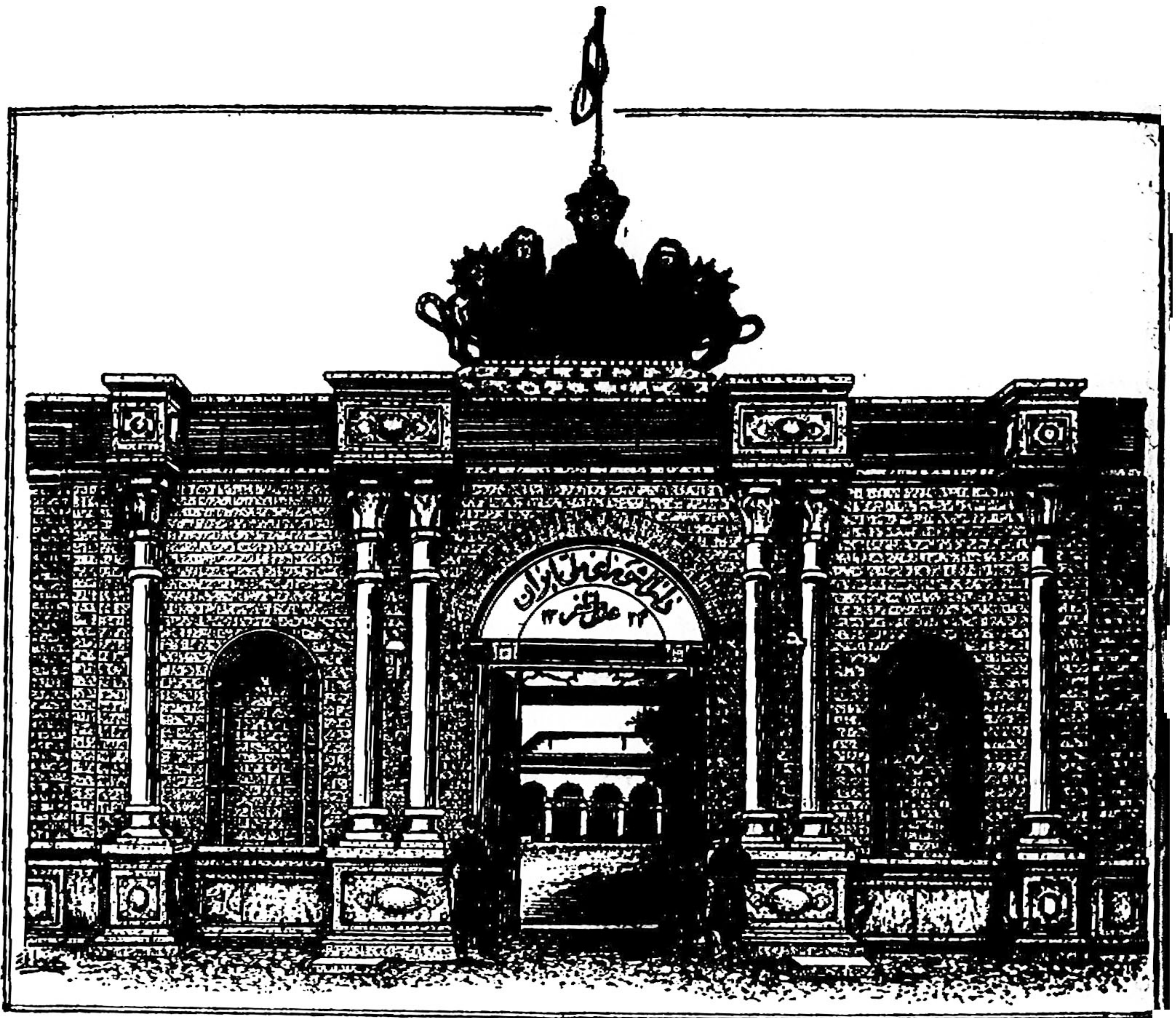


دوره ششم تقویمیه

<p>جلسه ۲۵۱</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۱۶</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جسه يك شنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۴ ذیحجه ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران سالیانه ده تومان خارجه ۱۰ دوازده تومان قیمه يك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

الی صفحه	از صفحه	عنوان
۱۵۶۰	۴۵۵۲	بقیه مذاکرات راجع با استخدام هفت نفر معلم و تصویب آن
۴۵۷۴	۴۵۶۱	مذاکرات راجع به اعزام بیست نفر شاگرد بارو با بجهت تحصیل معلومات علمی و عملی
۴۵۷۴	۴۵۷۴	راجع بخط آهن قانون استخدام هفت نفر معلم از فرانسه



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۱۳ خرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۴ ذیحجه ۱۳۴۶

جلسه ۲۵۱

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان . جمشیدی مازندرانی - آیت الله زاده خراسانی
 آقا سید کاظم بزدی - دکتر طاهری - نکمهبان - میر
 نماز - حیدری مگری - میرزا محمد تقی طباطبائی -

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از
 ظهر ریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت جلسه پنجشنبه دهم خرداد
 را آقای دولتشاهی قرائت نمودند)

امیر نيمور کلالی - محمد تقی خان اسعد - نو بخت - افسر
آقا زاده سبزواری - ميرزا عبدالله خان وثوق - مخبر
فرهمنند - آقا ميرزا هاشم آشتیانی - امامی خوئی -
ثقة الاسلامی - جهانشاهی - ليقوانی - اسکندری - ملك
آرائی - سلطان محمد خان عاصری - ميرزا عبدالحسين
کرماتی - محمود رضا - ابراهیمی - ميرزا احمد خان
بدر - مولوی

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: اسدی - ذوالقدر - علیخان اعظمی - قوام
شیرازی - مهدوی - اسکندر خان مقدم - عباسمیرزا
احتشامزاده - حاج حسن آقا ملک - محمد ولی میرزا
فرشی - عدل - جوانشیر - ميرزا حسن خان وثوق -
حاج غلامحسین ملک

دبر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: خطیبی - دثقی - بهار - افخمی

دبر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: مرتضی قلیخان بیات - شریعت زاده -
عصر انقلاب

رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

رئیس - بقیه پیشنهاد های راجع به لایحه معالین فرانسوی
مطرح است. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره اضافه شود

معالین فوق الذکر دو نفر برای مدرسه طب يك نفر
برای مدرسه سیاسی يك نفر برای حقوق يك نفر برای
معلمی اقتصاد. دو نفر برای دار المعلمین معین
خواهند شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - متأسفانه این لایحه را که آقای معاون محترم
وزارت معارف آورده اند این لایحه دارای چهار ماده باید باشد
به کمیسیون باید برود و این را در تحت يك ماده واحد آوردند

و در کلیات خود ماده هم صحبت شد برای حل بعضی
مسائل ناچار شدیم ما برای خاطر اینکه این لایحه
فوق العاده اهمیت دارد و يك اساسی است برای معارف
و يك اطلاعاتی ما به نواقص معارفمان داریم و باید در
رفع آن نواقص بکوشیم و يك اساسی برای معارفمان برزیم
ناچار شدیم که يك پیشنهاد هائی بدهیم و اگر هم موفق
نشدیم که این پیشنهاد را مجلس قابل توجه بداند وزارت معارف
اساس نظریات ما را بداند که باید از چه راه شروع کند به رفع نواقص
در این لایحه را که آقای معاون آوردند فرمودند در
نفر برای فلسفه و ادبیات. بنده در این مسئله فوق العاده
متعجب هستم که میخواهم يك عرایضی بکنم و آقای
معاون محترم وزارت معارف بلکه عرایض بنده را عملی
کنند و بدانند عقاید ما را. بنده عرض میکنم که
خودتان تصدیق دارید و میدانید که معارف ما امروز
باید از راه عمل شروع بشود و معارف ما که فعلاً
يك نقابسی دارد برای این است که تعلیمات ما عملی
نیست و نواقص معارف ما از حیث تربیت و از حیث
ايجاد شدن معانی در دماغ شاگردان يك نقابسی دارد و
این طرز تعلیم که الان متداول است در مدارس خوب
نیست و کتابهائی که داریم که حسن به حسن گفت
که چون نو مدرسه رفته من مدرسه رفته ام امروز
چنین کردم فردا چنین میکنم اینها يك مسائلی است
که در مجلس مکرر گفته شده است که اصول تعلیم و
تربیت ما خوب نیست و باید طوری باشد که انگاه به
نفس و قیام به نفس را به شاگرد تعلیم بدهند یعنی یاد
بدهند که از عرق جبین و کد بچین باید تحصیل معاش
کند. این روح از ما رفته است با اینکه سابقه تاریخ
در ایران شهادت میدهد که ایرانیها تن به هزار زحمت
میدادند ولی زیر بار بی شرفی نمیرفتند. در کوهها زندگانی
میکردند و شرافت خودشان را از دست نمیدادند ولی
کم کم ما وارد شدیم که آن روح شجاعت و شهامت از بین
ما رفته است. بنده عقیده ام اینست که لیکن این روح از
طرز تعلیم و تربیت است از طرز این کتابهائی ما است که

حسین به حسن گفت و چطور شد آقا. پس فردا در این مملکت
دیگر يك بناء و نجرار پیدا نمیشود چرا؟ چون ما فقط
طوری تعلیم میکنیم که شاگرد فقط میل دارد دبیرم
بگیرد و از مدرسه متوسطه که دارای دبیرم شد آتوقت
هی به این التماس میکنند به آن التماس میکنند که پشت
میز اداره يك کاری به او داده شود حالا ما و دولت
دست بهم داده ایم که حقیقه اصول تعلیم و تربیت را عوض
کنیم و بکلی این کتابهائی را که از ده سال پانزده سال
به اینطرف در مدارس تدریس میشود بکلی دور بیندازیم
و دماغ اشخاص را حاضر کنیم برای کار کردن و عملی
شدن آقا فلسفه و ادبیات چه فایده دارد؟ هر قدر
میخواهید من برای شما کتاب اشعار بخوانم فلسفه هر
چه میخواهید بنده برای شما بگویم کتاب اشعار را بگویم
کتاب شرح مفتاح را بگویم کتاب شرح فصوص را
بگویم هر چه میخواهید فلسفه الهی را برای شما بگویم
امروز که روز سعی و عمل است اینها چه اثری دارد
مثلاً معلم ادبیات برای ادبیات بهتر از ادبای عالم خودمان
که در مملکت ما هستند هیچ جا نیست حالا میخواهید
برای ادبیات از فرانسه معلم بیاورید؟ چه فایده دارد؟
بنده خیلی از این مسئله با اینکه يك معاون معارفی
داریم که حقیقه جنبه علمی را بنده در او مشاهده میکنم
تعجب دارم که بیابند بگویند باید برای فلسفه و
ادبیات (با این فلسفه که ما داریم و با این ادبانی
که همه از ما سر مشق میگیرند) معلم ادبیات از فرانسه
برای ایران بیاوریم، آقا معلمی باید بیاوریم که مدارسمان
را تغییر بدهد، این طرز تدریس را تغییر بدهد و به
اصطلاح آقای نامداد مثلاً تعلیمات را تغییر بدهد و بکلی
این طرز فعلی را زیر و زبر کند. این پروگرام را از بین
برد. بنده آرزو که این عرض را کردم آقای فهیمی
يك بیانی کردند که انقلاب ادبی باید بشود یعنی چه؟
انقلاب علمی و ادبی بشود یعنی اهل علم را بیاورند و
علم عملی تدریس کنند و يك استحالته در این کار
بکنند. بنده با آوردن يك نفر ادیب برای فلسفه و

ادبیات از فرانسه کاملاً مخالف هستم. برای طب کاملاً
موافق هستم. برای اقتصاد موافقم. برای مدرسه حقوق
و سیاسی موافقم ولی بکلی با آوردن معلم برای فلسفه
و ادبیات مخالفم و عقیده دارم که از این هفت نفر سه
چهار نفر برای معلمی تعلیم و تربیت بیاوریم که این
ترتیب فعلی از مدارس ما برداشته شود، آقای یاسائی
خوب میگفت که پس فردا است در مملکت ما زارع
پیدا نمیشود، خدا شاهد است يك برزرگر پیدا نمی
کنیم...

بکنفر از نمایندگان - چرا؟

آقا سید یعقوب - والله پیدا نمیکنیم و وقتی که
رفتند دیگر بر نمیگردند سر این کار این معلم فلسفه را برای ما
فایده ندارد. آقا يك معلمی بیاورید که تعلیم عملی را
اجرا کند. ما عمل میخواهیم فلسفه را از بین ببرید
فلسفه عمل را از بین میبرد

بعضی از نمایندگان - صحیح است. احسنت. همه رأی
خواهیم داد

معاون وزارت معارف - اینکه اعتراض فرمودند
چرا این لایحه که میبایستی در چهار ماده گنجانده
شود در يك ماده است. بنده خیال میکنم که این يك
اختلاف ظاهری است چه فرق میکند؟ اگر آن معانی
و مفهومی که آقایان در نظر دارند در يك ماده باشد
یا چهار ماده باشد؟ این خودش پسندیده تر است که
در يك ماده باشد که زودتر بگذرد وقت را کمتر بگیرد
و اسباب زحمت آقایان نشود و بعلاوه وافی بمقصود هم
هست، دیگر این چه فرق دارد که در يك ماده باشد
یا چهار ماده باشد؟ بعلاوه علت این همان موضوعی
بود که لزوم فوریتش را روز اول عرض کردم و تصور
میکم آقایان قانع شدند که رأی به فوریت دادند، و اساساً
طریق و رویه بنده این است که بدون جلب و نظرو
مشارکت فکری آقایان نمایندگان کاری نکرده باشم. بنده
قبل از اینکه لایحه را تقدیم کنم با همه آقایان مگر
چند نفر و مخصوصاً با آقای آقا سید یعقوب مذاکره

کردم و مشورت کردم و آقایان لایحه را دیدند و پسندیدند و با پنجهت هم بنده فوریتش را تقاضا کردم که چون از کیفیت آن مطلع هستند بفوریت آن رأی خواهند داد اما راجع معاینه این مسئله معلم فلسفه که مبتنی به شده است بنده نمیدانم از این عبارت آقایان چه فهمیده‌اند آرزو هم عرض کردم اینکه گفته میشود معلم برای فلسفه نه برای تدریس فلسفه است عنوان این است که يك معلمی بیاوریم که از مدرسه فلسفه و ادبیات دیپلم گرفته باشد.

بامداد - چه بکنند؟

معاون وزارت معارف - يك چنین کسی خیلی کارها می تواند بکند پدا کوژی می تواند درس بدهد یکمچو کسی معرفه النفس میتواند درس بدهد میتواند علم اجتماع درس بدهد منطق میتواند درس بدهد.

آقا سید یعقوب - خودمان داریم.

معاون وزارت معارف - و اینکه می گفته میشود پدا کوژی يك چیز علیحده نیست کسانی که می خواهند پدا کوژی به بینند میروند مدرسه فلسفه و ادبیات و در ضمن اینکه فلسفه و ادبیات را یاد میگیرند پدا کوژی را هم می بینند حالا يك کسی که از این مدرسه بیرون میآید اگر دلش میخواهد در فلسفه تخصص پیدا کند می رود در آن مدرسه يك کسی میخواهد در علم الاجتماع کار کند می رود آنجا يك کسی میخواهد منطقی بشود می رود در آن قسمت درست مثل این است که ما میخواهیم يك ادبی بدیع درس بدهد آیا معنایش این است که آن ادیب معانی را ندیده باشد که ما بیان را ندیده است؟ صرف و نحو را ندیده است؟ خیر همه آنها را دیده است ولی تخصصش در علم بدیع است پس علم بدیع را تدریس میکند درست مثل يك فقیهی است که اصول را درس بدهد کسی که اصول درس میدهد فقه و اخبار نمیداند؟ چه فرق میکند این جا وقتی که گفتیم برای فلسفه يك کسی را می آوریم مقصود کسی است که از مدرسه فلسفه و ادبیات

دیپلم گرفته باشد. يك همچو مردی میتواند پدا کوژی که مقصود آقایان است درس بدهد ولی کسی دیگر نمیتواند پدا کوژی درس بدهد پدا کوک باید باشد. به علاوه آقا میفرمایند که ما باید يك کسانی را بیاوریم که در تربیت اطفال متخصص باشد بلی صحیح است ولی ما که میخواهیم همه اش این معاینه در دارالمعلمین تدریس کنند. يك مدرسه حقوق هم داریم. يك مدرسه سیاسی هم داریم. رای مدرسه حقوق میخواهیم یکسال تهیه تأسیس کنیم و باید این معاینه در آنجا فلسفه درس بدهند، معرفه النفس هم در آنجا تدریس میشود و باید این معاینه درس بدهند غرض این است که این شخص همان پدا کوک مقصود آقایان است که استخدام میشود.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی رخواستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر آقای آقا سید یعقوب

(مضمون ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم: معلمینی که استخدام میشوند بموجب این قانون به این سمت تقسیم خواهند شد. دو نفر معلم حقوق و سیاسی دو نفر معلم اقتصاد سه نفر برای تعلیم و تربیت

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی تشکر میکنم که آقایان نا اندازه توجه کردند عقاید مرا و آقای معاون هم ملتفت شدند. اصل موضوع عقیده بنده این است که عنوان فلسفه و ادبیات از بین برود، آقا به بینید بیت العرش هم آنقش ما باید اول قدم عملی برای تربیت برداریم بعد از آن وارد در ادبیات شویم و آنوقت وارد در این چیزها بشویم که فراز عبارت فرانسه چه جور نوشته شود. با ادبیاتش چه جور است. فصاحت و بلاغتش چه قسم باید باشد، باید بعد از آنکه ما علوم عملی خودمان را

نکبیل کردیم به این کارها. بپردازیم فرمودید که این فیلسوف را می آوریم که در فلان مدرسه فلسفه ماوراء الطبیعه درس بدهد. این صحیح است ولی ما باید يك کاری بکنیم که اساس تربیت ما درست شود و بعد نه مدارس ابتدائی ما عملی شد و حقیقه چرخهای تعلیم و تربیت ما روی رابل افتاد آنوقت برای تفنن و تفریح بروند علم النفس با علم ما بعد الطبیعه یا ما قبل الطبیعه بخوانند. این عقیده بنده است و این فیلسوف شهری که از فرانسه برای ما باید بیاید بعد از پنجاه سال دیگر لازم است و امروز ما فقط احتیاج داریم به تعلیم و تربیت عملی. شما میفرمایید که ما معلم تربیت هم آورده ایم. بنده عرض میکنم يك مملکتی را که میخواهیم تعلیم و تربیتش را تغییر بدهیم، از دو نفر، ده نفر بیست نفر، صد نفر نمیشود هر چه ما معلم بیاوریم برای تعلیم و تربیت باز هم کم آورده ایم. آقا میفرمایند که ما آورده ایم ولی بنده عرض میکنم صحیح است اما باید آن چیزی که غیر محتاج الیه است صرف نظر شود و آن چیزی که محتاج الیه رعایت شود. باید معلم برای تعلیم و تربیت بیاوریم و برای ادبیات و فلسفه خارجی بنده مخالف هستم. این است که حالا که آن پیشنهاد قبول نشد این پیشنهاد را کردم که عنوان فلسفه و ادبیات از بین برود دیگر خودتان میدانید.

معاون وزارت معارف - در لایحه که تقدیم شده است اصلاً هیچ اسمی برده نشده است که معلم برای چه قسمت باشد و بنده تعجب میکنم که چرا آقایان مکرر باین مسئله متذکر میشوند، ما نگفتیم که معلم برای چه میخواهیم، ما فقط گفتیم که هفت نفر معلم برای توسعه مدارس عالییه و متوسطه لازم داریم و معین شده است که يك معلم برای فلسفه یا برای طب. و این چیزها در لایحه نیست و بنده خیال می کنم اگر دست دولت را آقایان باز بگذارند خیلی بهتر است شاید امروز نوشتیم يك نفر معلم برای علوم اقتصادی ولی فردا احتیاج نداشتیم. چنانچه اول این نظر بود

که در مدرسه سیاسی قسمت علوم اقتصادی را زیادز بکنیم و يك معلم برای آنجا بیاوریم بعد دیدیم که بر فرض اینکه این قسمت را زیاد بکنیم بر کرام را از امسال نمیشود تغییر داد و باید این شاگردان همین بر کرام را تعقیب کنند و بعد از سه سال دیگر شروع میشود به بر کرامی که حالا معین میشود. پس بهتر این است که دست دولت باز باشد که خودش تعیین کند که این معاینه به چه سمت می آید و قطعاً این ترتیب بهتر است و نتایجش بیشتر خواهد بود.

رئیس - رأی میکنیم. آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی رخواستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی (مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مخارج ذهاب و ایاب این هفت نفر دو هزار تومان داده شود
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هر چیزی را لازم میدانم به اندازه خودش باشد مثل اینکه مخارج تعلیم و تربیت را تا اندازه خودش لازم میدانم. آرزو هم عرض کردم باین لایحه که جدیداً از مجلس گذشت که سالی تقریباً دو کسور برای تعلیم و تربیت بدهیم کافی است برای ما. بشرط آنکه ناظر در اینها باشیم یعنی کسانی را که میفرستیم کاملاً نظارت داشته باشند که آنها را که برای تحصیل رفته اند کاملاً تحصیل کنند نه اینکه وقتی بر میگردند ادعا زیاد ولی علم هیچ باشد و يك سرباری برای مملکت باشند. باین ملاحظه بنده همان دو کسور را بلکه زیاد میدانم ولی چون اکثریت مجلس رای داد و رای اکثریت هم مطاع است به عقیده بنده همان دو کسور کافی است و اگر ما نظارت داشته باشیم در طرز خرج شدن آن دیگر احتیاج نداریم مجدداً رأی بدهیم بجهت هفت نفر جدید ما اینهمه متخصص آوردیم من جمله متخصص برای لفظ بیست و پنجهزار تومان هم سابر مخارجش این پنجاه

هزار تومان و گمان نمیکنم به اندازه يك شاهی هم از او استفاده کرده باشیم همینطور متخصص بجهت ذوب آهن و مهندسين ديگر آوردیم و بحمد الله بقدری گرفتاری بجهت وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه هست که نمیتوانند بکار های آنها برسند و نتیجه آزا بما بگویند که اینها چه کرده اند و از این پولهایی که میدهیم چه نتیجه برده ایم. حالا هم که میخواهند بروند. بنده عقیده ام اینست که هر قدر ما بتوانیم از مخارج کم کنیم بهتر است. اینجا نوشته است چهار هزار و چهار صد یا پانصد تومان مخارج ایاب و ذهاب خوب هفت نفر از پاریس آمدن تا اینجا آنقدر مخارجش میشود؟ انصاف بدهید این اندازه خرج آنها است؟ به عقیده بنده چهار هزار تومان برای مخارج ایاب و ذهاب زیاد است و باید باندازه خودش باشد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - بنده در فرمایشات آقا که درست دقتی کردم تصور کردم در کلیات لایحه مشغول مذاکره هستند زیرا میفرمودند اصلاً ما این را لازم نداریم در اینصورت خوب بود در کلیات لایحه مخالفت خودشانرا اظهار میفرمودند. راجع بقسمت مخارج مسافرت هم که فرمودند البته این قسمت را حساب کرده اند و سنجیده اند دیده اند آنقدر مخارج مسافرتشان میشود. اگر معلم لازم است که باید این مقدار را داد و اگر لازم نیست در کلیات اجازه بخواهید و مخالفت بفرمائید که اصلاً معلم لازم نداریم

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(دو سه نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بامداد (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بجای از فرانسه نوشته شود از هر مملکتی که مقتضی باشد
رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده اساساً با اینطور استخدام معلمین مخالفم. عرض کنم به عقیده بنده تا وسائل تعلیمات عملی در مدارسمان مهیا نکرده ایم که از معلمین اروپائی استفاده کنیم باید از اینگونه استخدام ها جلوگیری کرد زیرا تجربه سیف برهان است. از وقتیکه مرحوم امیر کبیر اعلی الله مقامه مدرسه دارالفنون را تاسیس کرد برای اینکه يك قدمی بطرف دنیای جدید بوسیله این دارالفنون بر دارد معلمین اروپائی هم استخدام شد ولی آن اشخاصی که بدرد بخورند از زیر دست این معلمین بیرون نیامدند. ریاضی دانهای ما تمام مرهون مرحوم حاج نجم الدوله و مرحوم ناظم الملک هستند. رهین مرحوم مهندس الممالک هستند که آنها هم از شاگردان اولی هستند که با يك علاقه و وظیفه شناسی به اروپا رفتند. خود بنده در وزارت خانه بودم او تجربه را آوردیم برای معلمی فیزیک و شیمی شما نگاه کنید چه استفاده بردند شاگردان؟ این شاگردان بدبخت که نه زبان او را میدانند و نه اوزبان شاگردان را و تند تند يك چیزی میگویند مثل اینکه در مدرسه پاریس است این بدبخت نمیدانند سعی کند جزوه را درست بنویسند یا مطلب را بفهمد به عقیده بنده يك معلم نسبتاً ناقص ایرانی از يك معلم کامل اروپائی که نه او زبان شاگرد ها را بفهمد و نه شاگرد ها زبان او را بمراتب بهتر است ملاحظه کنید این معلمی که برای مدرسه طب آورده اند شاگرد ها چه استفاده از وجود این معلم میبرند؟ بنده اساساً موافق نیستم تجربه به ما مدلل داشته است که دکتر هائیکه خود ما داریم از قبیل آقای دکتر لقمان الملک و آقای دکتر رفیع خان امین و سایر دکتر های خوبی که داریم بمراتب بهترند از آن معلمینی که خود اینها تصدیق دارند بهتر از ما هستند یعنی برای مدارس ایرانی که بدبخت شاگرد زبان فرانسه را خوب نمیدانند معلم هم نمیتواند خوب زبان او را بفهمد اینها بمراتب بهترند بروید امتحان کنید تجربه کنید داخل عمل بشوید و به بینید همینطور است

بنده اساساً با این طرز استخدام مخالف هستم و انگهی حالا که بنا شده است استخدام کنیم چه لزومی دارد که اختصاص بدهیم حتماً از فرانسه استخدام کنیم آقایان خودتان را مقید نکنید معلم ادبیات و فلسفه را هم که بنده هیچ نمی فهمم یعنی چه؟ در صورتیکه با این دو رشته هم آشنا هستم و درس هم خوانده ام. ولی نمیدانم این را برای چه می آورند میفرمایند. بیسیکولژی. آن چه مربوط به فلسفه است. فلسفه جزء علوم عالییه است و همه اینها را شامل است. فلسفه ما همه چیز آویش بود علم به احوال اشیاء بود ولی فلسفه حالا چهار قسمت است منطق است. اخلاق است. ماوراء الطبیعه است و علم الروح بیسیکولژی. میفرمایند که این همه چیز بلد است. اگر مقصود این است که دفاع پارلمانی شود که بکنفر يك حرفی بزند و بکنفر هم دفاع کند و جواب بدهد آن يك چیزی است ولی خیر باید حرف حقیقت را گفت. ما با این فقری که داریم پول میدهیم و میخواهیم در مقابلش استفاده کنیم. من نمیدانم معلم را اختصاص دادن به فرانسه برای چیست؟ و معلم برای ادبیات و فلسفه به چه جهت است و چه احتیاج داریم بعلاوه اگر این قانون را همینطور بگذرانید ممکن است برابتن گران تمام شود ولی اگر از هر مملکت که در يك چیز متخصص دارد بیاورید البته بهتر است. چرا همه را از يك مملکت می آورید؟ از هر مملکتی که تخصص دارند بیاورید. این است که بنده این پیشنهاد را کردم که این عرایض را عرض کنم. بنده اساساً با استخدام اینطور مخالف هستم و با این لایحه هم موافق نیستم

معاون وزارت معارف - بنده با این پیشنهاد موافقت نمیکنم

رئیس - این ترتیب گویا بر خلاف سابقه است. يك نفر از نمایندگان - صحیح است ملیت باید معلوم باشد.

(پیشنهاد دیگر از طرف آقای اعتبار بمضمون ذیل

خوانده شد)
پیشنهاد میکنم معلمین مزبور از تاریخ ورود بمرکز اخذ حقوق خواهند کرد
رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بعقیده بنده این بدیهی است و در تمام کنترانهائی که از مجلس میگذرانیم اینقسمت هست ولی يك پیشنهاد آروز آقای فیروز آبادی کردند که باعث شد بنده این پیشنهاد را بکنم. ایشان پیشنهاد کردند که از اول شهریور استخدام شوند و ممکن بود گفته شود که از اول شهریور که استخدام میشوند حقوق خواهند داشت و حال آنکه در کنترات خارجیها هر چه بوده است از روز ورود به طهران برای آنها حقوق معین کرده ایم و چون از تاریخی که حرکت میکنند خرج سفر میدهیم دیگر حق ندارند حقوق بگیرند و برای اینکه این مسئله سابقه نشود بنده این پیشنهاد را کردم

معاون وزارت معارف - بنده موافقم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که معلمین مدرسه حقوق از این لایحه حذف شود

رئیس - چنین چیزی در لایحه نیست

فیروز آبادی - چون در توضیحی که آقای معاون دادند بود پیشنهاد کردم حذف شود

رئیس - پیشنهاد نکرده اید که در ضمن توضیح حذف شود پیشنهاد کرده اید در ضمن لایحه حذف شود ماده واحده قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شود)

ماده واحده - وزارت معارف مجاز است برای تکمیل و اصلاح مدارس عالییه و متوسطه مرکز و ولایات هفت نفر معلم فرانسوی که صلاحیت آنها را دولت فرانسه تصدیق نماید مطابق شرایط ذیل استخدام کند

۱: مدت استخدام معلمین مذکور از اول شهریور ماه ۱۳۰۷ برای مدت سه سال خواهد بود و حقوق از روز

ورود به طهران محسوب خواهد شد .

ب : - اعتبار حقوق سالیانه معالین مزبور از مبلغ بیست و شش هزار تومان تجاوز نخواهد نمود .

ج : در موقع عزیمت به ایران در حدود دو هزار و دویست و پنجاه تومان خرج سفر از محل صرفه جوئی اعتباری که برای استخدام معالین خارجی در بودجه ۱۳۰۷ وزارت معارف منظور گردیده است نایبه خواهد شد .
د : هنگام مراجعت چنانچه کمترت معالین سابق الذکر تجدید نکرده در حدود مبلغ دو هزار و دویست و پنجاه تومان خرج معاودت پرداخت میشود .

ه : وزارت معارف اختیار دارد سایر شرایط استخدام معالین مذکور را بر طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرار داد مشار الیه را امضا نماید .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا آقای معاون دو چیز را قبول کردند یکی پیشنهاد آقای فیروز آبادی بود و یکی پیشنهاد آقای اعتبار و این دو پیشنهاد گویا با هم اختلاف داشته باشد . پیشنهاد آقای فیروز آبادی این بود که از اول شهریور استخدام نمایند و پیشنهاد آقای اعتبار این بود که از موقع ورود حقوق داده شود خوب اگر از اول شهریور کمترت شوند ممکن است به آنها حقوق داده نشود ؟ پس خوب است يك طوری باشد که بین این دو پیشنهاد مخالفتی نباشد

معاون وزارت معارف - این دو قسمت با یکدیگر مخالفتی ندارد . ممکن است ما استخدام را از اول شهریور بکنیم ولی از روزیکه وارد میشوند حقوق داده میشود و ممکن است همین مطلب را در کمترتشان قید کنیم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم کلمه مختار به مجاز تبدیل شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا ما در تمام قوانین که گذرانده ایم مختار نمی نوشتیم مجاز مینوشتیم اینجا هم باید نوشته شود

وزارت معارف مجاز است فلان کار را بکند

معاون وزارت معارف - مجاز نوشته نشده از این طور است بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مخارج ایاب و ذهاب این هفت نفر جمعاً سه هزار تومان باشد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده چون چهار هزار و پانصد تومان را زیاد میدانم اسباب تصدیق آقایان میشوم . بعقیده بنده همانطور که آقایان وظیفه دارند بنده هم وظیفه دارم باید مالیه این مملکت را حفظ کنیم و صرف داخله مملکت کنیم و اگر هزار یا هزار و پانصد تومان هم صرفه جوئی بشود ده تا آنقدر که شد میتوانیم يك کارخانه چرم سازی بیاوریم که يك عده راحت باشند بنده عقیده دارم هر قدر بتوانیم باید صرفه جوئی کنیم و مالیه مملکت را حفظ کنیم و صرف امور عام المنفعه بنمائیم این مال خودمان نیست که بشجاعت رأی بدهیم . مال مردم است و باید مال آنها را حفظ کنیم که به

صرف اقتصادیات این مملکت برسد و همه بهتر از بنده میدانند که حال مردم این مملکت چه قسم است . ما همه را نمیتوانیم قیاس کنیم بیک عده از رجال متمول این مملکت تقریباً بیست و پنج یا سی کرور نفوس دارد شاید صد هزار نفر آن راحت باشند بقیه همه در فلاکت و زحمت میباشند . باید حال آنها را در نظر بیاوریم و برایشان کار پیدا کنیم و کار هم پیدا نمیشود مگر اینکه مال آنها را حفظ کنیم . به این جهت بنده پیشنهاد کردم سه هزار تومان کافی است . یعنی هر یک نفر که بخواید از اینجا تا پاریس برود دویست و هفتاد تومان باو داده شود . آیا این اندازه کافی نیست ؟ این بود که بنده این پیشنهاد را کردم . ایاب و ذهاب

چهار صدی و سی و چهار تومان میشود و امید دارم آقایان این را قبول کنند که حفظ مال و اقتصادیات

مملکت شده باشد . اگر هم میکوبند این مبلغ کفایت نمیکند بلند شوند بگویند به فلان دلیل کافی نیست که بنده قانع شوم و الا يك پیشنهاد دیگر میدهم

رئیس - آقای رفیع

رفیع - منظور آقای فیروز آبادی در ضمن پیشنهاد این نیست که پیشنهادشان تصویب بشود یا نشود . يك ترتیب معینی دارند برای مذاکره و برای اینکه افکار مردم را به خودش جلب کنند و يك عنوانانی می فرمایند آقا باید فکر بفرمایند اشخاص دیگر هم که اینجا نشسته اند و اسمشان وکیل است موکل دارند . آشنا دارند . با مردم روابط دارند . شما خیال میکنید تنها جنابعالی هستید که از گوشه آسمان تشریف آورده اید و با مردم آشنائی دارید ؟ بالاخره همه و کلا با مردم آشنا هستند و همه ما ها که اینجا نشسته ایم حساب میکنیم می بینیم چقدر باید داد همینطور دولت حساب میکنند . لزومی ندارد متصل اینطور پیشنهاد می کنید ؟ آقا که تشریف نبرده اند با روپا و اطلاع ندارند .

فیروز آبادی - اشتباه است

رفیع - آقا بفرنگستان تشریف برده اید

فیروز آبادی - بله رفته ام

رفیع - بالاخره این مسئله حساب شده است و صرفه جوئی هم که آقا تصور فرموده اند از بیچاره معلم که نمیشود کرد . معلم لازم است و باید مخارجش را هم داد تا بتواند بیاید

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میکنیم بماده واحده با اوراق آقایانیکه موافقت ورده سفید خواهند داد (اخذ آراء بعمل آمده پنجاه و هفت ورقه سفید و يك ورقه کبود تعداد شد)

رئیس - عده حضار هفتاد و پنج و هفت رأی تصویب شد .

اسامی موافقین

آقایان : امام جمعه شیراز - آقا سید کاظم - کازررئی آقا میرزا ابراهیم آشتیانی - کی استوان - فهیمی - شیروانی دکتر سنک - احتشام زاده - دادگر - نوبخت - فرمند عمادی - خطیبی - ملک مدنی - سید یعقوب - بهار - نجومی - مفتی - بدر - موقر - عراقی - ایلیخان - مرتضی قلبیخان بیات - اسفندیاری - جلائی - یاسائی - ساکینیان سید حسین آقاییان - دکتر لقمان - اعتبار - روحی - خواجوی دهستانی - امیر اسد الله خان عامری - مسعود - پورنیمور دولتشاهی - بالیزی - محقق - افخمی - محمد آخوند - صالحی - نظام مانی - میرزا عبد الله خان وثوق - بنی سلیمان حاج آقا حسین زنجانی - بحبی خان زنگنه - آقا علی زارع - دکتر رفیع امین - نابت - وکیلی طباطبائی - دیوان بیکی - حاج میرزا حبیب الله امین - افشار - ضیاء دشتی .

مخالف - آقای حاج سید رضا فیروز آبادی

رئیس کل صحبه - بنده تقاضا میکنم لایحه استخدام طبیعیه مدرسه نسوان که مدتی است بمجلس آمده و از مجلس گذشته است جزء دستور شود

رئیس - پیشنهاد هائی هم راجع بدستور رسیده است قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای رفیع

پیشنهاد میکنم لایحه کمیسیون بودجه راجع به راه آهن مبلغ يك صد و پنجاه و هفت هزار تومان و شاگردان اعزامی متعلق بوزارت فوائد عامه جزء دستور شود پیشنهاد آقای زوارد

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون بودجه راجع به شهریه محمد رضا معزی در درجه اول دستور مطرح شود .

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد مینمایم لایحه اصلاح قانون مجری جزء دستور شود .

پیشنهاد آقای دشتی

بنده پیشنهاد میکنم بعد از لایحه استخدام معالین لایحه راجع راه آهن و اعزام محصلین راه آهن مطرح شود.

پیشنهاد آقای دهستانی

بنده پیشنهاد میکنم اصلاح قانون مجیزی جزء دستور شود

رئیس - آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع - گمان میکنم بهتر این باشد آقایان هم موافقت بفرمایند که لایحه مربوط بوزارت فوائد عامه جزء دستور شود بعد سایر لوائح

ملك مدنی - بنده هم موافقم. بعد از لایحه خط آهن اصلاح قانون مجیزی مطرح شود زوار - بنده هم موافقم.

رئیس - راجع به شهریه ها چون چند فقره خبر است و اگر با ورقه رأی گرفته شود وقت را زیاد اشغال میکنند و آقایان حاضر نیستند معطل شوند آنها هم در مقام مطالبه هستند اگر اجازه بدهید این شهریه ها را تمام يك ماده کنند و فقره به فقره در مجلس رأی گرفته شود که تکلیفش بکمرتبه معلوم شود.

رفیع - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

حاج آقا رضا رفیع - در هر يك از این شهریه ها بعضی از آقایان يك نظریاتی دارند که بالاخره باید به عرض مجلس برسد اگر حضرت آقای رئیس موافقت بفرمایند يك روز را اختصاص بدهیم به این کار که در اطرافش صحبت بشود موافق و مخالف حرفهایشان را بزنند و رأی گرفته شود بهتر است البته بدیخت محمد رضامیرزا که امور زندگانش مختل است نمیشود او را با دیگران در يك ردیف قرار داد بکمرتبه رأی داد

رئیس - مقصود این نبود که همه را بکمرتبه رأی بدهند مقصود این بود قسمت به قسمت رأی بگیریم رفیع - با این ترتیب بنده هم موافقم

رئیس - لایحه راجع به خط آهن قرائت میشود

(اشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی به وزارت مالیه اجازه میدهد که از محل عایدات انحصار قند و شکر مبلغ ۱۵۷۹۷۵ تومان برای انعام و تکمیل قسمت ساختمانی که خود دولت انجام میدهد و هم چنین برای تصفیه مخارج و تعهدات اداره راه آهن قبل از الغاء قانون پنج میلیون تومان و بعد از آن به وزارت فوائد عامه پرداخت نماید.

ماده دوم - به دولت اعتبار و اجازه داده میشود که از تاریخ تصویب این قانون تا مدت سه سال بیست نفر شاگرد هر سال برای تحصیل معلومات علمی و عملی راجعه به راه آهن به اروپا اعزام داشته و مخارج آنها را بمیزان کافی از محل عایدات انحصار قند و شکر کار سازی دارند.

تبصره - انتخاب محصلین فوق به ترتیب مسابقه بعمل می آید پس از اجرای مسابقه اشخاص بی بضاعت حق تقدم خواهند داشت.

ماده سوم - دولت مجاز است که خرید ادوات و آلات راه آهن از قبیل ریل و تراورس را برای قسمتی از راه که ساختن آنها خود عهده دار میشود بطور مناقصه مطابق قانون محاسبات عمومی مستقیماً خریداری نموده باینکه مطابق قانون کفتراتی تهیه آنها را بعهده سندیکای مأمور نقشه برداری واگذار نماید و به وزارت مالیه اجازه داده میشود که قیمت ادوات مزبور را از محل عایدات انحصار قند و شکر پرداخت نماید.

ماده چهارم - وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه و وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون میباشد.

رئیس - مذاکرات در کلیات است.

آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مخالفت بنده در این لایحه برای این است (گرچه خودم میدانم در آخر هم رأی میدم ولی برای این است) که آقای وزیر فوائد عامه با آقای

خبر بعضی مسائل را توضیح بدهند (نه آقای معاون چون ایشان يك چیز هائی بفرمایند که بنده متقاعد نمیشوم) يك توضیحاتی در این مسئله بدهند که معلوم شود که ما چه قدر ضرر قصور داریم در اینجا تصور داریم نه تقصیر تقصیر نیست تصور شده است مسلم است مسئله راه آهن که فوق العاده طرف توجه تمام مقامات مملکت بود مقامات عالییه و درک و مجلس شورای ملی و ملت که همه اشتیاق فوق العاده داشتند این کار بگذرد و هر چه زود تر این نعمت در مملکت ما هم بیاید تا بالاخره در مملکت ما آمد یعنی اسمش آمد و ملت ایران هم با آن شوق و ذوقی که در راه ترقی خودشان دارند برای مسئله انحصار قند و شکر همه گونه حاضر شدند ملاحظه بفرمائید حتی در دهات و ایلات که هزار گونه در زحمت و فشار قند و چای هستند این مالیات را بالطبع و الرغبه میدهند چرا برای اینکه نظر این بود که در این يك ترقیاتی برای مملکت هست بعد از آنکه ما وارد عمل شدیم کم کم بقدری دلهای ما برآز خون واقع شده است. حالا معلوم شده هفتصد و پنجاه هزار تومان از آوردن منخصص و مهندس از آلمان و امریکا متضرر شده ایم حقیقتاً در این خصوص من گریه میکنم از هم ندارم. فکر کنید يك ملتی که به چه زحمت و مرانی پول تهیه میکنند برای يك روز ترقی و سعادت خودش بکمرتبه ملتفت میشود که هفتصد و پنجاه هزار تومان ریخته شده است در رود خانها، حالا بنده عرض میکنم تقصیر است میگویم قصور است، حالا بنده اینجا به يك نفر از آقایان گفتم که ضرر را هر جایش را بگیرد نفع است و از هر جا آدم جلویش را بگیرد نفع دارد حالا هفتصد و پنجاه هزار تومان بود اگر این جا جلویش را نگرفته بودیم تا سه ماه دیگر دو کرور میشد و اگر به چهار ماه دیگر میرسید دو کرور و دو بیست و پنجاه هزار تومان می شد، ولی حالا بنده چشم روشن است به آقای سرتیپ حبیب الله خان شبستانی وزیر فوائد عامه که حقیقتاً زحمتی کشیده اند و طرف توجه دولت

و ملت است و کاملاً در این باب رسیدگی میکنند يك توضیحاتی بدهند که نقشه بر داری را که ما داریم به این سندیکا و بعد هم در همانجا قرار گذاشتیم که از هر طرف صد و پنجاه کیلو متر را خط آهن بکشند و بعد کم کم ساختن راه را به او واگذار کنیم حالا چطور شده است که میخواهند این کار را بکنند؟ بنده با این ترتیب مخالفت بعلت اینکه خوب میدانم که از این کار حقیقتاً ما ضرر کرده ایم و - حالا که میدهیم به این کمپانی و این کمپانی هم که عمل کرده است و حقیقتاً طرف اطمینان است این کار را هم به او بدهیم ولی حالا در این لایحه نوشته است که ما خودمان این کار را بکنیم و اگر نشد بدهیم به سندیکا و مخارج قبل از الغاء پنج میلیون و بعد از آن را هم بنده میدانم یعنی چه و يك چیز های دیگر هم این جا دارد که بنده نمی فهمم بنده از معاون وزارت فوائد عامه سؤال کردم گفتند بعد از آنکه ما کفتراتی دادیم دیگر این بودجه عرض و طول برداشته میشود ولی باز می بینم که می بودجه است. می پرسند است. می اندیکاز است تمام اینها باز باقی هستند ما واگذار کردیم سندیکا برای اینکه این مخارج پرسنلی را خانم بدهیم باز در این عبارت نوشته شده که مخارجی که قبل از سندیکا و بعد از سندیکا شده و میشود اینها یعنی چه؟ در هر جای قانون بکدرتی برای خودشان باز کردند و بنده می بینم که باز همان مخارج تجدید میشود و دو مرتبه می آید. این يك مسئله است که باید توضیح داده شود که بعد از دادن سندیکا مخارج بعدی یعنی چه؟ مسئله دیگر این است که به بنده بفرمایند که این همه مستخدمین آسریکائی و آلمانی و برهمنس و غیره که شما آوردید و اینها تشریف میبرند (دست خدا به همراه همه شان باشد) اینها چه قدر مخارجشان شده و چه کار کردند؟ ما باید مطلع باشیم آن روز آقای معاون فرمودند که ما از خور موسی یا بندر جز مشغول هستیم و چه قدر کار کرده ایم با این مهندسین ولی بعد روز دیگرش آقای

رئیس الوزرا که حقیقه قولش درست است آمد اینجا و گفت قوش فلان و طولش فلان است و عرضش چطور باید بود آنوقت ما فهمیدیم که هنوز راه درست نیست. در اینصورت این ترتیب بکلی باید بهم بخورد این است دیگر صورت جلسه است بروید نگاه کنید. بنده کاملاً آن فرمایش که آقای معاون فرمودند معتقد نیستم چه کار کنیم؟ عقیده پیدا میکنم دیگر. آقای مخبر پاشوید بمن اطلاع بدهند که حقیقه از خورموسی و بندر جز شروع کرده اند این سندیکا بکار کردن در آنجا هائی که خودمان درست کرده ایم وضعیاتش چطور است و چقدر کار کرده اند؟ این اولاً. ثانیاً مخارج بعدی که ما نداریم که در اینجا برداشته اند و نوشته اند ثلثاً این مبلغ صد و پنجاه هزار تومان و خورده را آیا در کمیسیون بودجه بصورت جزئی رسیدگی شده است یا خیر؟ اگر دیده شده است که به بنده هم اطلاع بدهند اگر دیده نشده است که آقای وزیر محترم فواید عامه با آقای معادن صورتش را بیاورند پس از آنکه آوردند ما بفهمیم بدانیم که بعد از کنتراست دادن این دیگر چه خرجی است و چرا باید این پول را بدهیم؟

رئیس - آقای عبادی

عبادی - کان میکنم بان که آقا در آن جلسه که باین موضوع مذاکره و رأی داده شده از نظر مبارکشان فراموش کرده باشند برای اینکه در آنروز شرح مفصلي در همین زمینه در مجلس مذاکره شده که يك مقدار را خود دولت ساختمان بکند و حالا امروز يك مقدار اعتبار خواسته اند براي آن منظور. کوبا از هر طرف صد کیلومتر یا قدری بیشتر خود دولت ایران باید تعمیر کند و ترتیب بدهد تا اینکه ملاک کنتراست کل بدستش بیاید گمان می کنم این را فراموش فرموده باشند آقا و میتوانند از اعضاء کمیسیون با آقای وزیر و معاون تحقیق کنند حالا بچه نظر فرمودند که آقای معاون توضیح بدهند بنده نفهمیدم و جسرانی نمی کنم در هر حال مقصود این است که اساساً باین قضیه رای داده شده است و

و فعلاً اعتبارش آمده برای تصویب و در سایر مطالبی که فرمودند بنده نمیدانم چه چیز است. اینها تمام موضوعاتی است که در مجلس بانها رای داده شده است و تصویب شده است و اشکالی ندارد خوبست موافقت بفرمایند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم که بنده در تمام این قانون موافقت دارم مخصوصاً با اعتمادی که همه با آقای وزیر فواید عامه داریم. ولی يك جمله را این جا گنجانده اند که در کمیسیون بودجه سابق رد نشده است. يك ۱۴ هزار تومان بود برای تصفیه حساب و ما آنجا ندانستیم که چه حسابی است. يك حسابی می خواهند ایجاد کنند و چهارده هزار تومان از این محل خرج کنند. بنده با تمام این قانون موافقم ولی موقعی که در ماده اول مذاکره میشود حذف این جمله را پیشنهاد می کنم چون رد شده است

معاون وزارت فواید عامه - در این موضوع در کمیسیون بودجه رأی گرفته نشد فقط مذاکره شد. آقایان دیگر تشریف دارند و می دانند که رای گرفته نشد. جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

رئیس - رأی میگیریم برای ورود در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

(بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم که بنده باز عریض خودم را تجدید میکنم که با اعتمادی که ما با آقای وزیر محترم فواید عامه داریم این صد و پنجاه هزار و کسری تومان را تصویب می کنیم که در تحت نظر ایشان مخارج ساختمانی هر چقدر که لازم می دانسته بصرف رسانند ولی راجع به ۱۴ هزار تومان يك خورده حسابی که آقای معاون تصور می فرمودند که هست و این را درست آورده بودند بکمیسیون و میخواستند بگذرانند ما اینرا با مقامات عالی

مذاکره کردیم و نظر این بود که اساساً بودجه برسنلی را بکلی حذف کنند یا حتی الامکان تقلیل بدهند تا بحمد الله موفق شدیم و ساختمان نقشه بر داری را دادیم بسندیکا و آن عقیده اصلی همه را اجرا کردیم که لااقل بودجه برسنلی نداشته باشیم و این ول خرجی ها نشود.

و این ۱۴ هزار تومان هم برای همان ول خرجی هائی است که خواسته اند بترانند و در اینجا بتصویب رسانند و در کمیسیون هم همانطور که عرض کردم با این ماده موافقت نشد و رد شد و حالا در ضمن ماده دیگری با يك قلم کوچولو گنجانده اند و در تحت يك جمله مختصر می خواهند بگذرانند و يك عبارت قبل از الغاء قانون انداخته اند نوی ماده و از پول عمده و خاک ریزی را باینجا می خواهند چهارده هزار تومان نقد بر دارند برای تصفیه حساب سابق شان. آن يك چیزی است که در قانون تفریق بودجه باید آورد باخرجش تا ما بفهمیم که بکی بدهکار هستیم و چه کاری شده است. در هر حال مجاله بنده حذف این قسمت را پیشنهاد کرده ام

حالا بسته است بنظر مجلس و آقایان نمایندگان محترم. مخبر کمیسیون بودجه - این جا آقای شیروانی تصور فرمودند که این چهارده هزار تومان برای مخارج برسنلی است و فرمودند که راجع به ۱۴ هزار تومان در کمیسیون بودجه قدیم ای داده نشد. بلی در کمیسیون بودجه قدیم راجع باین قسمت صحبت های زیادی شد ولی بالاخره مسکوت ماند و در کمیسیون بودجه جدید بعد از تعیین وزیر و تشریف آوردن شان بکمیسیون و با توضیحاتی که داده شد و با آن اعتمادی که مجلس بشخص ایشان دارد مذاکره شد و معلوم شد که این چهارده هزار تومان برای تصفیه حسابی است از قبیل يك تعهداتی که برای ساختمانی یا خرید بعضی اسباب و افزار این کار شده است و راجع بحقوق و مخارج برسنلی نیست تصور میکنم خود آقای شیروانی هم موافقت خواهند فرمود که اگر وزارت فواید عامه يك دستورانی برای تهیه آن و ادواری داده و يك مبلغی هم قبلاً خرج کرده

بقیه را هم باید بدهد که کار معطل نماند و این نگرانی که شما راجع بمخارج برسنلی داشتید این مخارج راجع بامور برسنلی نیست

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(اینقسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده اول در سطر چهارم نوشته شود از الغاء قانون ۵ ملیون تومان بوزارت فواید عامه الی آخر.

آقا سید یعقوب - بنده آقای اعتبار را توجه میدهم بعرض خودم شما خودتان در کمیسیون بودجه قدیم عضو بودید و حالا هم در این کمیسیون تشریف دارید لابد ملاحظه بفرمایید که يك توضیحات مفصل و کاملی در این موضوع داده شود. در اینجا نوشته شده است که بوزارت مالیه اجازه داده میشود که از محل عایدات انحصار قند و شکر و چای مبلغ ۱۵۷۹۷۵ تومان برای انعام و تکمیل قسمت ساختمانی که خود دولت انجام میدهد اولاً بابت آن صحبتی هائی که در آن روز شد در نظر گرفت قرار شد که ما نقشه را بدهیم کمپانی بر دارد بعد از آنکه دولت دید اوتقشه را بر داشت عملیات ساختمان و کشیدن راه را هم بدهد بکمپانی با يك ترتیبی نوشتیم در آن قانون که دولت چطور عمل بکند. و اگر نظر آقایان باشد در آن قانون مکرر داد زدیم که حق تقدم بکمپانی داده نشود و در آن جا اصرار شد که برای تشویق اینها لازم است. خوب با این سابقه نا آمدیم و گفتیم که ساختمان راه آهن راه میدهیم به کمپانی. این يك مسئله بود که لازم دانستم عرض کنم حالا باز هم يك جوانی می فرمایند و بقول آقای بامداد يك صورت سازی در مجلس است که يك نفر جوانی بدهد و بگویند کافی است ورأی بدهند. بنده اینجا خواستم که توضیح بدهند تا درست ملتفت شوم و بنده این جور نیستم که نانفهمم بگویم مذاکرات کافی است فایده ندارد. ما قرار دادیم که نقشه کشیدن بکمپانی واگذار شود. بعد هم گفتیم که ساختمان راه را هم بعد دولت بکمپانی واگذار نماید. و گفتیم که

خود دولت انجام دهد و نمیتواند انجام بدهد. مگر اینرا نگفتیم حالا هم که این جا نوشته اند برای تصفیه مخارج قبل از الغاء قانون نا این جا هم بنده موافقت میکنم و می گویم بسیار خوب این صحیح چون يك اعتبار پنج میلیونی داشتید و يك خرجی کرده اید ولی بابا بعد از گذشتن و بعد از لغو شدن قانون پنج میلیون دیگر چه میخواهید. دیگر اعتبار برای چه میخواهید؟ ما که گفتیم شما این کار را نکنید بدهید بکمپانی یعنی بیاید به مجلس و مجلس ترتیبش را بدهد پس دیگر بعد از آن یعنی چه؟ وقتی ما بکنترات واگذار می کنیم دیگر بعد یعنی چه خوبست که اطلاع بدهند این مخارج بعدی یعنی چه؟ شاید بنده نفهمیده باشم در هر صورت طوری باشد که بصورت سازی نگذرانند این است که بهش بدهند ولی بعد از آن معنی ندارد

معاون وزارت فواید عامه - اگرچه آقای آقا سید یعقوب میل نداشتند بنده جوابشان را عرض کنم ولی ناچار هستم که يك توضیحاتی خدمتشان عرض کنم بلکه قانع بشوند اولاً عرض کنم که در کنترات با سندیکا قرار گذاشتیم که از هر طرف بمقدار صد و پنجاه کیلومتر را آنها بسازند و ما نحویل بدهند و نقطه را که باید آنها بسازند خود دولت معین خواهد کرد یعنی آن قسمتی است که خود دولت ساختمانش را عهده دار بود. و باید آن ساختمان را خاک ریزی کند و بدهد بکمپانی و کمپانی شروع کند بکشیدن خط نا ۱۵۰ کیلومتر حالا ما از قسمت اهواز شروع کردیم و خود دولت قبول کرده است که نا ۱۵۰ کیلومتر را که خودش ساخته است و قدری ناقص است تمام کند و بدهد بانها که آنها از آنجا شروع کنند بساختمان و دولت اینطور اظهار رأی کرد و قرار داد بست که بیست الی سی کیلومتر بیفتد در قسمت سخت ساختمانی که هم يك میزانی از قیمت ساختمان راه آهن بدست سندیکا بیاید و هم بدست دولت بنا بر این بنده اشکال

آقای آقا سید یعقوب را درست ملتفت نشدم. با اینکه خودشان آن قانون را در اینجا تصویب کردند و خودشان در آنجا ذکر کردند که نقطه اش را باید دولت معین کند پس وقتی که نقطه را دولت باید معین کند و نحویل سندیکا بدهد خرج لازم دارد. ساخته که نمی شود راه آهن باید از بندر جز شروع بشود بیاید تا فرورز کوه قسمت اول را دولت همینطور ول کند و قسمت بعدش را بدهند بسندیکا؟ اینکه نمیشود باید سندیکا بتواند مصالح بیاورد و راهش مربوط باشد و قطع نشده باشد که بتواند اسباب و ادوات را بیاورد که راه را بسازد پس اینقسمت که نوشته شده است برای بعد از این جهت بوده است که آن ساختمان را که شروع کرده است ادامه بدهد و تکمیل بکند و بدهد بدست سندیکا که عمل کند و مطابق قانون مصوب معلوم شود که چه قدر میزان مخارج آن است و نقطه آن معین باشد تا بیاورد که مسبق نبود در مجلس قانون ۵ میلیون اعتبار لغو میشود در جزر آن اعتبار فرستادن شاگرد هم بود برای تحصیل فنون راه آهن بخارچه. حالا که لغو شده است ما دو مرتبه پیشنهاد دادیم مجلس که تصویب شود و اجازه بدهند همان شصت نفر شاگرد بروند و این اعتراض آقای آقا سید یعقوب مورد ندارد. ایشان راجع بقسمت اول تصور میکردند که سندیکا از بندر شروع میکنند بکشیدن و حال آنکه این طور نیست يك قسمتی را باید دولت بسازد و نحویل سندیکا بدهد نا در آن قسمت سندیکا کار کند و میزان بدست دولت و سندیکا بیاید

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانی که موافقتند قیام فرمایند

(دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای شیروانی (این قسم خوانده شد)

پیشنهاد میشود جمله قبل از الغاء قانون ۵ میلیون تومان حذف شود

شیروانی - اگر چه برای این قسمت توضیح مفصل

لازم بدست ولی چون آقای معاون وزارت فواید عامه فرمایششان فرمودند ناچارم توضیحی عرض کنم که بالاخره در نتیجه تجربیاتی که ما در این دو ساله کردیم يك بی نظمی های اداری که ما قادر هم نیستیم جلویش را بگیریم وجود دارد بنده نمیگویم نمی خواهند جلو گیری کنند خیر می خواهند ولی قادر نیستند دولت - مجلس وزراء - مخصوصاً مقامات عالی خیلی میل دارند جلو گیری کنند ولی قادر نیستند که از این تفریط کارها جلو گیری کنند چه مستخدمین خارجی ما که اینجا میآیند تفریط کاری میکنند و چه مستخدمین داخلی خودمان بالاخره ما مجبور شدیم که ساختمان راه آهن را بدیم بسندیکای خارجی و اینطور تشخیص دادیم که این کنترات برفع دولت است چرا؟ برای اینکه از خرج زائدی از قبیل خرج اداره و خرج پرسنل و اینها جلو گیری میکند حالا می بینم باز يك همچو خرج زائدی را آورده اند مجلس شورای ملی با اینکه ما کنترات دادیم. میگویند يك قسمت راجع است بمخارج اعزام محصل بنده باز اینجا تکرار می کنم نظر باعمادی که باقای وزیر فواید عامه داریم مطمئن هستیم که دیگر تفریط کاری نمیشود ولی حالا نمیشود رأی داد بيك تفریط کارهایی که قبل از الغاء آن قانون ۵ میلیون تومان شده است. ما که نمیتوانیم بآن تفریط کارها رأی بدهیم آن قانون را همین مناسبت لغو کردیم که تفریط کاری نشود حالا دیگر رأی دادن باین قسمت فلسفه ندارد همان قسمت را آورده اند بمجلس که تصویب شود این کار غلطی است قانون که عطف ما سبق نمیشود. راجع باعزام محصلین در آن اول عرض کردم موافقم و این لایحه فقط راجع بمحصلین است منتهی این يك قلم کوچک را هم ضمناً در نوبت آن گنجانیده اند حالا اگر آقای مخبر یا معاون توضیح بدهند که این قسمت اهدا خرج امور پرسنلی و مواجب های گذشته و آبنده از این محل نمیشود و مربوط است بمخارج ساختمان آنوقت بنده منعقد می شوم.

مخبر - عرض کنم که خوبست آقای شیروانی توجه

بفرمایند در جواب فرمایشات آقای آقا سید یعقوب هم تذکر داده شد که دولت می خواهد برای بدست آوردن میزان خرج جنوب و شمال در هر طرفی ۱۵۰ کیلومتر ساختمان نماید و برای اینکار يك اسباب و ادواتی لازم است حالا در سابق تفریط شده است چه عرض کنم ولی تصدیق بفرمائید که يك عملیاتی در سر این راه شده و تا اتمام آن نا ۱۵۰ کیلومتر و تکمیل کردن و نحویل دادن بکمپانی باز يك مخارجی لازم است. وزارتخانه يك امانت را دستور داده است که طرف احتیاجش است و اگر آنها ساخته بشود (شاید بعضی قسمتهایش هم ساخته شده باشد) غیر از این کار بپردازد کار دیگر نمی خورد يك مبلغی هم داده است و بقیه آن را هم باید بدهد و کار را رو براه کند و تمام کند بدهد بدست کمپانی. راجع بمخارج پرسنلی و مواجب هم که فرمودند بنده که تصور نمیکم این مبلغ برای پرسنل صرف شود حالا اگر يك نفر دو نفر باشند که سابقاً از این محل استخدام شده باشند و حقوقشان از این جا باشد و داختماند آنها که گناه ندارند و باید پولشان را بهشان داد رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته میشود ماده

اول آقایان موافقتند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم

(بمضمون سابق قرائت شد)

مخبر - تبصره که کمیسیون برای ماده دوم پیشنهاد کرده است آن را بطریقی که حالا عرض میکنم با داشت و اصلاح بفرمایند

تبصره - محصلین اعزامی باید واجد شرایط ذیل باشند.

الف - تابعیت ایران

ب - دادن امتحان مطابق پروگرام مسابقه که از

حد اکثر است و بنده هم این پیشنهاد را قبول میکنم که در آخر ماده اضافه شود
ورید فواید عامه - بنده هم با پیشنهاد آقای شیروانی موافق هستم .

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مخارج بیست نفر شاگرد در سال نباید زیاده از دوازده هزار تومان بوده باشد
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده می بینم شاگردانی در آنجا رفته اند با ماهی سی تومان مشغول تحصیل هستند خیلی خوب هم تحصیل کرده اند و عرض کردم مثل پسر حاج شیخ حسین در آن مشغول تحصیل طب است با ماهی سی تومان پدرش هم چیزی ندارد که برای او بفرستد و با همان سی تومان تحصیل خودش را خوب کرده است در صورتیکه تحصیل طب با اندازه مخارجش زیاد است از تحصیل خط آهن و بران هم میگویند مخارجش زیاد تر از جاهای دیگر است در هر صورت ما باید قسمی بکنیم که مسئله اقتصاد و صرفه جوئی را در تمام امور مراعات کنیم و يك ترتیبی بکنیم که شاگردانیکه آنجا میروند اقل ما بقتع که بتوانند در آنجا زندگی کنند و بجز پول تحصیل زیاد بانه داده نشود چون اگر پول زیاد داده شد در روحیات آنها و در اخلاق آنها اثر بد خواهد کرد ولی وقتی که پول زیادی نداشته باشند مجبورند بروند درس بخوانند و اگر پولدار شدند کارهای دیگر میکنند باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم خرج هر شاگردی زیاده از شصت تومان که در سال دوازده هزار تومان میشود نباشد ولی با این که میدانم آقایان موافقت نمیکنند عرایض خودم را عرض کردم

رئیس - آقای رفیع

رفیع - بنده اگر میدانستم يك نفر آقا شیخ محمد حسین در مجلس ضرب المثل میشود در کبیسیدن بودجه رأی نمیدادم و بالاخره میگویم آنجا مانند تحصیل کند که در

هر موقعیکه میخواهیم هر شاگردی را بفرستیم برای هر کاری فوراً پسر آقا شیخ محمد حسین ضرب المثل شود که چون او ماهی سی تومان خرج میکند هر شاگردی هم که برود باید ماهی سی تومان خرج کند عرض کنم او برای يك کار معینی رفته است و این شاگردان برای تحصیلات معینی باید اعزام شوند حداکثر مبلغ هم معلوم است دیگر حد اقل باشا نیست و میخواهیم اینها بروند تحصیل کنند مهندس برای ما درست بشود وقتی که معین کنیم که هر کدام مثلاً ماهی پانزده تومان بیشتر نداشته باشند مهندس درست نمیشود در اینجا حداکثر را معلوم می کنیم باقی اختیار با خود دولت باید باشد

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای باسائی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را به ماده دوم پیشنهاد میکنم تبصره - اشخاصی که مطابق این ماده تحصیلات راجعه براه آهن را تکمیل نموده اند مکلف هستند به ایران مراجعت نموده در صورت احتیاج دولت خدمت دولت را قبول نمایند

رئیس آقای باسائی

باسائی - عرض میشود که معلوم نیست اشخاصی که تحصیل کردند مجبور هستند خدمت دولت را قبول کنند یا نه ممکن است بعد از آنکه با پول راه آهن رفتند تحصیل کنند همانجا بمانند و نیابند و این هم يك چیزی نیست که ما بگذاریم که در نظامنامه بنویسند لذا بنده این را پیشنهاد کردم که اگر دولت احتیاج داشت آنها مجبور باشند بیایند مستخدم دولت بشوند حالا سارجرئیات را میخواهند در نظامنامه بنویسند اهمیت ندارد

رئیس - آقای رفیع

رفیع - با پیشنهاد آقای باسائی اغلب نمایندگان موافق هستند ولی خودشان تصدیق میفرمایند که يك

تخصصی را ما مجبور کنیم که مادام العمر مستخدم دولت باشد خوب نیست . بنویسند پنجسال هفت سال دهسال که بتواند کار بکند باید گفت که شما باید نظامنامه را بنویسید این قانون را بنویسید وقتی شما رفتید در آنجا تحصیل کردید تا پنجسال باید نوکر دولت باشید و الا اینکه بروند تحصیل کنند آنوقتی که برگردند اینچامادام العمر مستخدم دولت باشد این خوب نیست مدتش را معین نفرمائید ما هم قبول میکنیم

مخبر - اینجا برای اینکه نظر آقای باسائی تأمین شده باشد همای شرحی را که ما اعزام صد نفر محصلین نوشتیم همان را اینجا هم بنویسیم . تبصره که پیشنهاد شد این بود که : محصلین اعزامی باید واجد شرایط ذیل باشند : فقره الف و ب معین شد این قسمت بعنوان فقره ج اضافه میشود (تقبل اینکه در بمالك و در شعب عالی که از طرف دولت معین خواهد شد تحصیل نموده و پس از فراغ از تحصیل و اخذ دیپلم ضعف مدت را که در خارج بخرج دولت تحصیل کرده اند در شعبه تحصیلات خود بدولت خدمت نمایند . این را ما اضافه میکنیم . چون البته باید مدت محدود باشد و بطور کلی مجبور نباشند مادام العمر خدمت کنند

باسائی - بنده موافقت میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای باسائی

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در سطر سوم بعد از جمله راجع براه آهن نوشته شود و معادن و ذوب آهن الی آخر
رئیس - آقای باسائی

باسائی - در لایحه پیشنهادی دولت هم همینطور بود که راجع براه آهن و معادن و ذوب آهن . و تصدیق میفرمایند آقایان که برای ذوب آهن يك اقدامات مقدماتی کرده ایم و يك لایحه هم گذرانده ایم و يك اشخاصی را هم استخدام کرده ایم برای معرفت الارض . برای ذوب آهن بالاخره این اقدامات باید بيك تقابلی منتهی بشود . يك روزی باید خودمان بيك اشخاصیکه واجد شرایط و دارای معلومات معرفت -

الارضی باشند داشته باشیم در اینصورت بنده تصور میکنم همان لایحه دولت رأی بدهیم بهتر است زیرا شما برای ساختن راه آهن و ریل در آئینه هر وقت باشد احتیاج دارید به متخصصی که مساح باشد و با اندازه معادن و ذوب آهن را بداند و خیال میکنم عده زیاد کردن از ده نفر به بیست نفر بیشتر ازین نقطه نظر بوده است که يك عده هم معلومات راجع به ذوب آهن و معادن را یاد بگیرند این است که بنده این پیشنهاد را کردم دیگر بسته بنظر دولت است اگر موافقت میکنند بنده هم استرداد نمیکنم و الا استرداد میکنم .

مخبر - دولت هم شاید اساساً این را در نظر داشته باشد و بیست نفر را البته با تقسیماتی که در نظر میگیرد برای فرستادن شاگرد ها این منظور را هم تأمین میکند ولی برای اینکه بیشتر نظر آقایان معین بشود ما هم قبول میکنیم
رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود که در تبصره ماده ۲ علاوه شود پس از دادن مساعقه اشخاص بی بضاعت حق تقدم خواهند داشت
مخبر - این قسمت را خودمان در آنجا اصلاح کرده ایم .

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این بیست نفر شاگرد جهت تعلیم راه آهن بابتاز همان بودجه که در چند جلسه قبل جهت محصلین به خارجه رأی داده شده بوده باشد .

رئیس آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چند روز قبل رأی دادیم که سال اول صد هزار تومان تا سال ششم شصت هزار تومان برای تحصیل محصلین در اروپا خرج بشود و معین نشده است که در خط آهن با غیر از آن کار بکنند . حالا هم در اینجا بیست نفر پیشنهاد شده است . به ملاحظه اینکه معقیده خودم خرج زیادتر از اندازه شده باشد و به مقصود هم نایل

بشود بنده پیشنهاد کردم که این بیست نفر را جزء شاگردانی که چند روز قبل تصویب شد بفرستیم و با اعلام الان صد نفر شاگرد برای اعزام نداریم و همینطور این بیست نفر را هم نداریم. پس بهتر این است که این بیست نفر هم از همان بودجه باشد که تحمیلی هم بر بودجه خط آهن نشود
رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض کنم این نه اینست که امروز میخواهیم اینکار را بکنیم. و این نه اجازه این است که فردا یا پس فردا اینها بروند یا چند روز دیگر بعضی از نمایندگان (صحیح است) این يك اصل اساسی است که بوزیر اجازه داده میشود اینکار را بکند (صحیح است) که بیست نفر شاگرد بفرستد (صحیح است) احتیاجات ما فوق اینها است که این را هم جزو آن نکنیم حالا شما برای همه کارها عقیده بسیط الحقیقه کل الاشیاء را پیدا کرده اید!! شما اینجا بسیط الحقیقه کل الاشیاء را قائل نشوید و اجازه بدهید که این عده از همین محل فرستاده شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده دوم

آقا سید یعقوب - چرا پیشنهاد بنده را نخواندید؟! دولتشاهی - تأمین شد

آقا سید یعقوب - شما حق ندارید نخوانید! من اجازه میخواهم به من اجازه نمیدهید اینکه معنی ندارد خاصه و خرجی که در مجلس نیست!!!

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بشرح ذیل خوانده شد پیشنهاد میکنم بعد از کله راه آهن اضافه شود و ذوب آهن.

آقا سید یعقوب - حالا استرداد میکنم. چرا زودتر نخواندید؟! (ماده دوم بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - بدولت اعتبار و اجازه داده میشود که از تاریخ تصویب این قانون تا مدت سه سال بیست نفر شاگرد هر سال برای تحصیل معلومات علمی و عملی راجعه راه آهن و معادن و ذوب آهن با اروپا اعزام داشته و مخارج آنها را میزان کافی از محل عایدات انحصار قند و شکر کار سازی دارد و در هر صورت نباید خرج تحصیل هر يك از محصلین سالیانه از هزار تومان تجاوز نماید

تبصره - محصلین اعزامی باید واجد شرایط ذیل باشند

۱ - تابعیت ایران

ب - دان امتحان مطابق پروگرام مسابقه که از طرف وزارت فوائد عامه تهیه خواهد شد و نباید کمتر از پروگرام مدارس متوسطه باشد. دارندگان تصدیقنامه مدارس عالی یا متوسطه یا فنی یا تساوی سایر شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت یا اجرای مسابقه و تساوی سایر شرایط محصلین بی بضاعت حق تقدم خواهند داشت

ج - تقبل اینکه در ممالک و در شعب علمی که از طرف دولت معین خواهد شد تحصیل نموده و پس از فراغ از تحصیل و اخذ دیپلم ضعف مدتی را که در خارج بخرج دولت تحصیل کرده اند در شعبه تحصیلات خود بدولت خدمت نمایند

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای باستانی

باستانی - آن قانون سابق درش قید شده بود «ایران بودن و تابعیت ایران» هر دو قید را داشت اینجا هم باید درج شود که اینهاست که میروند هم ایرانی باشند و هم تابع ایران. بکیش کافی نیست

مخبر - اشکالی ندارد. اضافه شود ایرانی بودن و تابعیت ایران.

رئیس - اضافه شود. آقایانیکه ماده دوم را میاند

رتیب تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - دولت مجاز است که خرید ادوات و آلات راه آهن از قبیل ریل و تراوس را برای قسمتی از راه که ساختن آنرا خود عهده دار میشود بطور مناقصه مطابق قانون محاسبات عمومی مستقیماً خریداری نموده یا آنکه مطابق قانون کنتراتی تهیه آنها را بعهده سندیکای مامور نقشه برداری راه آهن واگذار نماید و بوزارت مالیه اجازه داده میشود که قیمت ادوات مزبور را از محل عایدات انحصار قند و شکر پرداخت نماید

رئیس - آقای باستانی

باستانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای بیات

بیات - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده در این ماده سه چهار ایراد دارم.

اولاً من جرب المجرّب حلت به التدامه مابك وقتی اینکار را کردیم که دولت اعلان مناقصه بدهد و ادوات راه آهن بخرد يك مدت معطل شد و نتیجه اینطور شد که دیدید و بالاخره قانون چندی قبل اینکار را بیک سندیکائی واگذار کرد اینهم همالطور خواهد شد در يك مدتی دولت اعلان مناقصه میدهد در خارج منتشر میکند و پس از مدتی باز به سندیکا واگذار میکند. پس چه عیبی دارد که از اول دولت با سندیکا داخل مذاکره شود؟ چون این آلات و ادواتی که برای راه آهن لازمست بالاخره در ایران پیدا نخواهد شد و بایستی از خارج خریداری بشود و بایستی بالاخره

با سندیکاها مذاکره کنند حالا که آخرش با اینجا منتهی خواهد شد چه دلیل دارد که از اول (بدون اینکه يك مقداری خرج اعلان مناقصه و غیره بکنیم) این کار را نکنیم تا با اینها معلوم نیست که دولت چقدر باید خرج کند همینقدر مینویسد بوزارت مالیه اجازه داده می شود که از محل عایدات انحصار قند و شکر مخارج اینکار را بوزارت فوائد عامه پرداخت نماید و با این ترتیب وزارت فوائد عامه هر قدر از این مبلغ را بخواهد وزارت مالیه مجبور است بدهد در صورتی که وقتیکه ما لایحه راه آهن را ارسال و امسال در این جا تصویب کردیم مخصوصاً قید شد که هر مقداری اعتبار لازم است باید بمجلس بیاورند و مجلس تصویب کند و در اینجا باز اجازه مطلق است پس ما باید مبلغ آن را معین کنیم یا نوشته شود بعد از آنکه دولت تصمیم گرفت آلات و ادوات را بخرد یا مستقیماً بتوسط سندیکا آنوقت لایحه بمجلس بیاورد و اعتبار آنرا اجازه بخواهد ولی اینکه بطور کلی دولت اجازه دارد که اعلان مناقصه بدهد و یا به سندیکا واگذار کند و وزارت مالیه هم مجاز است هر قدر مخارج بخواهد بدهد این ترتیب نوشتن در قانون غلط است بنده استدعا می کنم آقای مخبر کبیسبون و سایر آقایان موافقت فرمایند که در حقیقت بر خلاف قوانین مصوبه هم نشود هر میزان اعتبار میخواهند در موقعش معین کنند در اینجا هم نمیکشند معین کنند لا اقل قید کنند که هر قدر اعتبار لازم شود لایحه اش را به مجلس بیاورند

مخبر - اینجا آقای فهیمی بایستی توجه فرمایند در قرار دادی که دولت با سندیکا بسته دولت در نظر دارد که برای يك مصالحی خودش يك مقدار از این راه را بسازد و البته نمیشود دولت را مقید و مجبور کرد که حتماً در این قسمت با سندیکا معامله کند و شاید برای دولت اینطور بهتر باشد که پس از دادن يك اعلاناتی مطابق قانون محاسبات عمومی و مناقصه هائی که در عمل خواهد شد آنوقت در نتیجه مسابقه با سندیکا مذاکره

کند تصور میکنم این قسمت در نظر دولت بوده است و خوبست آقای م. موافقت بفرمایند که این موضوع همینطور بجای خودش باشد. و اما در قسمت دوم که فرمودید مخارج باید به مبلغ معین باشد این را هم تصدیق بفرمائید که نمی شود فعلاً معین کرد زیرا دولت ساختمان را که بخواند شروع کند باید وسایلی را تهیه کند و لوازمش را در نظر بگیرد و پس از اینکه موفق شد باینکه شروع ساختمان کند و نقشه برداری کامل بکند آنوقت میتواند يك مبلغی را بمجلس اطلاع بدهد. در هر صورت با اعتمادی که مخصوصاً بدولت و بشخص آقای وزیر فواید عامه داریم کما میگویم بیش از همه دلیل خواهد بود که ایشان اینقسمت ها را ملاحظه کنند و با تجربه که از گذشته گرفته اند این قسمت را کاملاً رعایت خواهند کرد

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که جمله بوزارت مالیه اجازه داده شود تا آخر ماده سه حذف و جمله ذیل بجای آن بر قرار شود:

و در هر صورت خرید آلات و ادوات اعم از اینکه مستقیماً بتوسط دولت باشد یا بوسیله کنترات یا سندیکاها باید بمجلس پیشنهاد بشود تا اعتبارات لازمه تصویب گردد

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - قسمتی را که بنده عرض کردم مربوط باعماد و عدم اعتماد نیست بنده با نهایت اطمینانی که به آقای وزیر فواید عامه دارم مطلب را عرض کردم. برای این که جریانات قانونی باید در هر حال رعایت شود و الا وقتی که همه نان بدولت اعتماد داریم ممکن است بگوئیم هر خرجی را که خودشان میخواهند بکنند و هر چه می خواهند بگیرند ولی قانون يك ترتیبات دیگری را معین کرد که باید هیئت دولت و مجلس با موافقت یکدیگر آنها را رعایت کنند بنده با نظر آقای مخبر کمیسیون بودجه

عجالة راجع به آن قسمت اول ماده عرضی ندارم بسیار خوب دولت خودشان میخواهند که قسمت ادوات و اسباب بخردند در هر صورت اگر دیدند موفق نشدند سندیکا مذاکره کنند ولی برای اینکه بهر صورت باید از مجلس اعتبار بخوانند يك لایحه بهر صورت باید از سه گروهی هر مقداری لازمست از مجلس اجازه بخوانند و بمصرف برسانند. چنانکه لایحه پنج میلیون اعتبار برای راه آهن بمناسبت همین نظریات بود که به مجلس آمد و هم چنین لوابخ. این است که بنده پیشنهاد کردم بوزارت مالیه اجازه داده میشود هر خرجی که میخواهند بکنند بپردازد حذف شود اضافه شود که خرید آلات و ادوات اعم از اینکه از سندیکا باشد یا بوسیله دیگر خود دولت مستقیماً خریداری نماید لایحه به مجلس شورای ملی بیاورد و مجلس اعتبار لازم را تصویب کند

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده تصور میکنم که بعد از این مخالفتی که آقای فهیمی کردند و آقای مخبر جواب ایشان را گفتند جواب طوری بود که نسبت باین قسمت از پیشنهاد ایشان جواب گفته شد چون تمام اشکال ایشان این است اگر دولت بخواند اشیائی خریداری کند و وزارت مالیه کار سازی دارد این خلاف روبره است در صورتیکه همین ماده خودش اجازه است یعنی شما الان اجازه میدهید و همین دلیل بر این است که دولت آمده از مجلس اجازه بگیرد که این آلات و ادوات را که میخواهند بخردند وزارت مالیه پولش را بدهد. همین معنای اجازه از مجلس است تصور نمیکنم که دیگر لازم باشد

مخبر - اجازه میفرمائید آقای فهیمی توجه بفرمایند وزارت مالیه به محض اینکه يك پولی خواستند فوراً نمیدهد يك مقدمات و تحقیقاتی دارد که بالاخره تا کار را تکمیل نکنند پول را نخواهد داد. و علاوه این اعلان مناقضه که داده میشود تا معلوم نباشد که دولت يك اعتباری در مقابل آن دارد کمپانی ها معامله نمیکند بجه اعتبار معامله میکنند؟ تازه پس از آنکه اعلان

کردند دیدند هنوز اعتبار نگرفته اند معامله صورت نخواهد گرفت با این وضعیت تصور میکنم خوبست پیشنهادشان را استرداد بفرمایند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای فیروزآبادی

(بشرح آتی قرائت شد)

قانون

اجازه استخدام هفت نفر معلم از فرانسه برای تکمیل اصلاح مدارس عالیه

مصوب ۱۳ خرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی

ماده واحده - وزارت معارف مجاز است برای تکمیل و اصلاح مدارس عالیه و متوسطه مرکز و ولایات هفت نفر معلم فرانسوی که صلاحیت آنها را دولت فرانسه تصدیق مینماید مطابق شرایط ذیل استخدام کند

الف - مدت استخدام معلمین مذکور از اول شهریور ماه ۱۳۰۷ برای مدت سه سال خواهد بود و حقوق از روز ورود بپهران محسوب خواهد شد

ب - اعتبار حقوق سالیانه معلمین مزبور از مبلغ بیست و شش هزار تومان تجاوز نخواهد بود

ج - در موقع عزیمت بایران در حدود دو هزار و دویست و پنجاه تومان خرج سفر از محل صرفه جوئی اعتباری که برای استخدام معلمین خارجی در بودجه ۱۳۰۷ وزارت معارف منظور گردیده است تأدیه خواهد شد.

د - هنگام مراجعت چنانچه کنترات معلمین سابق الذکر تجدید نکردند در حدود مبلغ دو هزار و دویست و پنجاه تومان خرج معاودت پرداخت میشود

ه - وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام معلمین مذکور را بر طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرار داد مشار الیه را امضا نماید

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه سیزدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هفت شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی

حسین پیرنیا